«رسالت» بررسی می‌کند

زنگ هشدار افت معدل دانش‌آموزان

گروه اجتماعی

اولین باری نیست که افت تحصیلی دانش‌آموزان سوژه گزارش ماورسانه‌های دیگر می‌شود، روندی نزولی که سابقه‌دار است و از سوی وزارت آموزش‌وپرورش هم مورد تأیید قرارگرفته، اما سال به سال وضعیت نمرات درسی دانش‌آموزان بد و بدتر می‌شود، و این روندنگران کننده ازشرایط بغرنج سوادد انش‌آموزان و ضعف‌های زیرساختی نظام آموزشی حکایت دارد. «میانگین کشوری نمرات دانش‌آموزان در امتحانات نهایی خرداد ۱۴۰۲ در رشته تجربی ۱۱/۲۳، رشته ریاضی ۱۰/۷۹، رشته انسانی ۸/۷۵ و در رشته معارف ۱۰/۵۶ بوده‌است.» این تازه‌ترین گزارش وزارت آموزش‌وپرورش ازشرایط نمرات ومعدل دانش‌آموزان است که به‌غایت تکان‌دهنده است. درعین حال نشانه‌ای ازفرسودگی نظام آموزشی ماست و درچنین سیستم فرسوده‌ای، معلمان مدارس دولتی بی کیفیت اندوعناصر دیگری که درارتقاء وضعیت آموزش عمومی دخیل است یعنی زمان، ابزار و فضای آموزشی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. تراکم کلاس‌های مدارس دولتی نیز بالاست و بدون تردید بخش عمده‌ای از مشکلات کیفیت آموزش، با مسائل معیشتی معلمان گره‌خورده. در یک نگاه کلی می‌توان این‌طور استنباط کرد؛ که معلم پس ازتدریس، تازه باید به سراغ مشاغل دوم و سوم برود و طبیعتا فرصتی برای مطالعه و به‌روز شدن ندارد و احتمال فرسودگی شغلی و بی‌انگیزگی هم در چنین شرایطی بیشتر است و شیوه‌های نوین تدریس (شاگردمحور) جایگزین شیوه سنتی ناکارآمدِ معلم محورنمی‌شود و این درنهایت به افت کیفیت آموزش می‌انجامد. هرچند افت تحصیلی را می‌توان مسئله‌ای طبیعی قلمداد کرد که قاطبه دانش‌آموزان در طول تحصیل با آن مواجه می‌شوند اما فرتوتی و واماندگی نظام آموزشی ما موجب شده بخشی از زمان تحصیل، صرف آموزش‌هایی شود که به بهبود یادگیری دانش‌آموزان کمکی نمی‌کند. البته درچنین ساختار فرتوتی، افت نمرات و معدل دانش‌آموزان موضوعی چندوجهی است که کرونا هم درآن نقش داشته، همه داده‌هایی که درررسانه‌ها وگاه ازسوی مسئولان آموزش‌وپرورش منتشرشده‌اند، بیانگر آن است که با یک نوع بحران بی سابقه آموزشی در دوران شیوع ویروس کرونا مواجه بوده‌ایم. مسئله کرونیز به‌عنوان عاملی اثرگذار باعث شده‌دانش‌آموزان به‌جای فهم مطلب به دنبال آموختن روش‌های تست زنی باشند. بااین وصف فهم چرایی افت نمرات ومعدل ها دشوارنیست وازآنجایی که به‌پدیده‌ای شایع درمیان دانش‌آموزان بدل شده مایه نگرانی است و باید برای حل آن چاره‌اندیشی کرد.

کارشناسان درگفت‌وگو با «ما» مشکل کمبود معلم، فقدان معلمان باکیفیت، آموزگارانی که دروسی غیراز مدرک تحصیلی شان تدریس می‌کنند ضعف تجهیزات وامکانات آموزشی در کشور را از دیگر عوامل تأثیرگذار درافت نمرات دانش‌آموزان قلمداد کرده و هم‌زمان تأکید می‌کنند: از تراکم بالای کلاس‌های درس، وضعیت اقتصادی دانش‌آموزان وموضوع بی‌انگیزگی آن‌ها برای تحصیل هم نباید غافل شد.

آماری که اخیرا میانگین معدل دانش‌آموزان در امتحانات خرداد ماه ۱۴۰۲ به نقل از گزارش آموزش‌وپرورش در بسیاری ازخبرگزاری هاوپایگاه‌های خبری منتشرشده ومقایسه میانگین نمرات درخرداد ماه امسال با آمار ۴ سال پیش از آن، گویای این نکته است که سواد دانش‌آموزان سال به سال پسرفت کرده‌است. مطابق جدول منتشرشده در رسانه‌ها، میانگین کشوری نمرات دانش‌آموزان در امتحانات نهایی خرداد ۱۴۰۲ در رشته علوم تجربی ۱۱/۲۳، رشته ریاضی و فیزیک ۱۰/۷۹، رشته ادبیات و علوم انسانی ۸/۷۵ و رشته علوم و معارف اسلامی ۱۰/۵۶ بوده است. درحالی که سال ۱۴۰۱ میانگین نمرات دانش‌آموزان برای رشته علوم تجربی ۱۳.۰۲، رشته ریاضی و فیزیک ۱۲.۶۴، رشته ادبیات و علوم انسانی ۱۰.۲۰ و رشته علوم و معارف اسلامی ۱۲.۰۱ بوده است. این معدل درسال ۱۴۰۰، برای رشته علوم تجربی ۱۳.۱۸، رشته ریاضی و فیزیک ۱۲.۳۵، رشته ادبیات و علوم انسانی ۱۰.۴۲ و رشته علوم و معارف اسلامی ۱۲.۰۴ ثبت شده است. درسال ۱۳۹۹ نیزمعدل دانش‌آموزان برای رشته علوم تجربی ۱۳.۷۳، رشته ریاضی و فیزیک ۱۳.۵۰، رشته ادبیات و علوم انسانی ۱۱.۳۴ و رشته علوم و معارف اسلامی ۱۲.۸۶ را نشان می‌دهد. میانگین معدل امتحانات نهایی دانش‌آموزان سال ۱۳۹۸، در رشته علوم تجربی ۱۳.۷۷، در رشته ریاضی وفیزیک ۱۳.۲۸، در رشته ادبیات و علوم انسانی ۱۰.۷۶ و در رشته علوم و معارف اسلامی ۱۲.۸۸ بوده است. ازاین رو می‌توان نتیجه گرفت که میانگین معدل نمرات دانش‌آموزان درسال ۱۴۰۲ نسبت به چهارسال پیش ازآن درتمامی رشته‌ها با افت حدود ۲ نمره‌ای در امتحانات نهایی روبه‌رو بوده است که آموزش‌وپرورش این افت نمره را حاصل تغییرروی‌کرد نظام آموزشی دانسته و اینکه مسیر خود را از حافظه محوری به سمت یادگیری عمیق دانش‌آموزان سوق داده است.

مطابق اظهارات محسن زارعی؛ رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش‌وپرورش، راهبرد مطالعه دانش‌آموزان صحیح نیست و در مطالعه دروس به مفاهیم مهم، کلیدواژه‌ها وحفظ کردن توجه داشتند. متأسفانه نظام ارزشیابی چهارگزینه‌ای، روش مطالعه دانش‌آموزان را به سمت حافظه محوری سوق داده و شرایط به‌گونه‌ای شده است که دانش‌آموزمی‌گوید من دروس را مطالعه کردم اما در حقیقت به حفظ مطالب اکتفا کرده است و یادگیری مبنا نبوده، این روند باعث شده است عملکرد او خوب نباشد درحالی که در خرداد ۱۴۰۲ سؤالات امتحانات نهایی استنباطی بود.

به گفته او، قیاس آزمون خرداد ۱۴۰۲ با آزمون‌های سال‌های قبل قیاس مع‌الفارق است چراکه این آزمون‌ها بایکدیگرهم وزن نبودند و در آزمون خرداد ۱۴۰۲ هدف اصلی آموزش‌وپرورش تغییرروی‌کرد بود.

زارعی یادآوری می‌کند که آموزش‌وپرورش مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره تأثیرقطعی سابقه تحصیلی درکنکورسراسری را یک فرصت دیدواین امر را مبنای یک تحول قرارداد. این تحول به‌عنوان یک تغییرمسیربرای آموزش‌وپرورش رقم خورد. خروجی آموزش‌وپرورش به نظام آموزش عالی وجامعه چالش اصلی نظام آموزش‌وپرورش بود. سؤال این بود چرا دانش‌آموزان به دنبال یادگیری «کپسولی» هستند و مبتنی و با تأکید بر حافظه محوری این اتفاق رخ می‌دهد و با تأکید برهمین حافظه محوری ارزشیابی رقم می‌خورد.

نقش عامل اقتصادی در وضعیت معدل استان‌ها

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر برافت تحصیلی، عامل اقتصادی است به‌طوری که می‌توان گفت بین میزان توانمندی اقتصادی خانواده‌ها و دسترسی آن‌ها به آموزش باکیفیت یک رابطه مستقیم وجود دارد. شکاف بین مرکز و پیرامون از منظر اقتصادی و میزان توسعه باعث شده که در مناطق حاشیه‌ای و محروم کشور میزان افت تحصیلی بیشتر باشد.

رضا امیدی جامعه‌شناس برهمین اساس نقشه وضعیت معدل استان‌ها را تا حد زیادی منطبق با نقشه فقر کشور دانسته و دراین‌باره می‌نویسد: «اخیرا وزارت آموزش وپرورش گزارشی از معدل امتحانات نهایی خردادماه ۱۴۰۲ منتشر کرده که باید به چند نکته توجه داشت: تقریبا در دهه اخیر معدل امتحانات نهایی درمحدوده ۱۱.۵ تا ۱۲.۵ بوده است؛ در رشته‌های تجربی و ریاضی کمی بالاتر و در رشته‌های علوم انسانی و معارف کمی پایین‌تر. روند افت کیفیت آموزش عمومی در جزئیات نتایج کنکور و در آزمون‌های بین‌المللی هم مشاهده می‌شود. در سال‌های اخیر، هم در محتوای امتحانات نهایی و هم در فرم سؤالات و نحوه تصحیح برگه‌های آزمون تغییرات زیادی اعمال شده است. برای مثال امسال در برخی درس‌ها ۸۰ سؤال با بارم ۰.۲۵ طراحی شده بود و هرگاه را چند آموزگار از مدارس و شهرهای مختلف درسامانه تصحیح می‌کردند. شواهدی هم از سوی آموزگاران ارائه می‌شود که بعضا اختلال‌هایی در فرآیند تصحیح وجود داشته که چه بسا برنمره دانش‌آموزهم تأثیرگذار بوده است. به‌نظرمی‌رسد خود نهاد آموزشی بااین تغییرات منطبق نشده است. نکته مهم دیگراین است که نقشه وضعیت معدل استان‌ها تا حد زیادی منطبق با نقشه فقر کشور است. میانگین معدل امتحانات نهایی خرداد امسال دراستان‌های هرمزگان، کهگیلویه‌وبویراحمد، خوزستان، آذربایجان غربی ۸ تا ۹ بود. دراستان‌های خراسان شمالی، گلستان، اردبیل، ایلام، کردستان، لرستان، کرمانشاه، فارس، کرمان، گیلان، بوشهر و چهارمحال وبختیاری نیز استان‌هایی هستند که میانگین ۹ تا ۱۰ را ثبت کردند. یعنی معدل دانش‌آموزان این استان‌های نیزکم وهشدارآمیز است. بااین حساب مجموعا، در ۱۷ استان میانگین معدل امتحانات نهایی خرداد امسال هشت تا ۱۰ بود که در وضعیت قرمز هستند.»

اما ماجرای افت سواد دانش‌آموزان تنها به مؤلفه معدل برنمی‌گردد، بلکه نتایج آزمون «انجمن بین‌المللی ارزیابی پیشرفت تحصیلی» هم حاکی از آن است که دانش‌آموزان ما ازنظر توانایی‌های آموزشی جزو «ضعیف‌ترین‌ها» در جهان هستند. نتایج آزمون پرلز ۲۰۲۱ نشان می‌دهد دانش‌آموزان در توانایی خواندن، نمره ۴۱۳ را کسب کرده‌اند که ایران را در میان ۵۷ کشور شرکت کننده در قعر جدول قرار می‌دهد. درباره علل شرایط سواد دانش‌آموزان نگاه‌های مختلفی مطرح است که برجسته‌ترین ارتباط بین شرایط اقتصادی و میزان توسعه‌یافتگی استان‌هاست.

ابراهیم سحرخیز، معاون اسبق متوسطه وزارت آموزش‌وپرورش درباره ارتباط بین فقروتأثیرآن برافت معدل دانش‌آموزان می‌گوید: «فقر نابرابری‌های آموزشی را تشدید می‌کند و در زمان آموزش غیرحضوری، این شکاف نمود بیشتری هم پیدا کرد. در وضعیت فقر خانواده مجبور است چندین فرزند خود را در یک اتاق نگهداری کند و این شرایط قطعا ازنظر روحی، آموزشی و تربیتی روی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. ضمن اینکه احتمال دارد در این شرایط پدرومادر هر دو بی‌سواد هم باشند یا سوادشان در حدی نباشد که به فرزندشان کمک کنند. این وضعیت نتیجه فقر است و ما قبلا هم مطالعات گسترده‌ای در این زمینه داشتیم که نشان می‌داد بین سواد والدین و پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده و پیشرفت تحصیلی فرزندان آن‌ها رابطه و همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد. ما نمی‌توانیم چنین نتیجه‌ای که حاصل سال‌ها پژوهش‌های خودمان است را نادیده بگیریم.»

او درمورد نقش آموزش‌وپرورش در شناسایی دانش‌آموزانی که در شرایط فقر قرار دارند و لطمه بیشتری دراین شرایط دیده‌اند، عنوان می‌کند: «من بعید می‌دانم دولت که یارانه می‌ریزد و آمار دارد چه کسانی تحت پوشش کمیته امداد یا بهزیستی و... هستند، باخبر نباشد که دانش‌آموزان کدام خانواده‌ها در فقر به سر می‌برند و حتما آمار دقیقی دارد. خانواده‌هایی با دهک‌های پایین وتحت پوشش بهزیستی، نشانگر فقر و درنتیجه افت تحصیلی بیشترو نیازمند به حمایت و رسیدگی بهتر هستند. نکته مهم اینکه خانواده‌های فقیراکثرا پرجمعیت هستند و در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند و دولت باید خودش متوجه باشد که مدارس این مناطق توجه ویژه لازم دارند و کاملا روشن است که روستا، حاشیه‌نشین‌ها و یارانه بگیرها نیازبه کمک دولت دارند و فقر و درنتیجه افت تحصیلی دانش‌آموزان آن‌ها بیشتر است و قطعا دولت آماری از این قشر دارد و می‌تواند برهمان اساس رسیدگی کند.»

اظهارات و تحلیل‌هایی ازاین دست به فراوانی در فضای رسانه‌ای موجود است؛ ازجمله این عبارت طلایی که از قول رضا امیدی نقل شده: «نظام آموزش ما به‌شدت تحت تأثیر فقیرشدن و نابرابری در جامعه است و توان خانواده‌ها برای تأمین بسیاری از نیازهای تحصیلی دانش‌آموزان به‌شدت افت کرده‌است». بنابراین روند فقیرشدن جامعه ایران را باید در این زمینه مورد تحلیل و واکاوی قرار داد. بر مبنای آمارهای موجود «از هر پنج ایرانی، یک نفر با فقر مطلق، دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ اما در مقابل ۹۰ درصد دارایی بانک‌ها در قالب سپرده یا اوراق، تنها متعلق به چیزی کمتر از ۴ درصد جامعه است»(۱) همین الگودر نظام آموزشی نیز به‌تدریج نفوذ کرده و آموزش‌وپرورش در میان طبقات فرودست وضعیت نامساعدی دارد.

دانش‌آموزان در امرآموزش ازعناصر کیفی یکسانی برخوردار نیستند. به‌عبارت دیگر مدارس دولتی که غالب دانش‌آموزان کشور را پوشش می‌دهد در برخورداری ازچهارعنصرمؤثردر کیفیت یعنی معلم، زمان آموزش، ابزار و فضای آموزشی، در مقایسه با مدارس سمپاد، غیرانتفاعی خاص ونمونه دولتی در وضعیت عادلانه‌ای قرارندارند. معلم ازجمله عناصری است که در کیفی سازی آموزش جایگاه بی‌بدیلی دارد؛ بنابراین توانمندی یا عدم توانمندی معلم در امرآموزش بیشترین نقش را در میزان و کیفیت یادگیری دانش‌آموز دارد. معلم باکیفیت، معلمی است که ازمسیر معقول، جذب سیستم آموزشی و تربیتی شده‌است؛ دوره‌های تخصصی راطی کرده؛ باشیوه‌های نوین تدریس آشناست؛ به‌ساحت‌های مختلف تعلیم و تربیت توجه دارد؛ کلاس‌هایش شاگردمحوراست؛ سطوح بالای یادگیری را جایگزین حافظه محوری می‌کند؛ فرصت پرسش و پاسخ، اکتشاف، حل مسئله وخلاقیت به دانش‌آموزانش می‌دهد و درنهایت باآگاهی ازهوش‌های چندگانه وتفاوت‌های فردی شاگردانش، هیچ دانش‌آموزی را نسبت به موفقیت درآینده، ناامید نمی‌کند. در اغلب موارد معلمان متخصص و باکیفیت نصیب دانش‌آموزان مدارس دولتی عادی نمی‌شوند و به‌این ترتیب دانش‌آموزان به لحاظ سطح علمی یکسان نیستند. عده‌ای نمرات بالا و عده بسیار بیشتری نمرات پایینی کسب می‌کنند و آن‌هایی که می‌توانند نمرات بهتری کسب کنند نه لزوما ازبهره هوشی بهتری برخوردارند و نه درک وفهم عمیق‌تری نسبت به موضوعات درسی دارند؛ این دانش‌آموزان درمقایسه با دیگرفراگیران، بعضاً به برکت امکانات بهتر، مهارت بیشتری در پاسخ به پرسش‌ها دارند. این موضوع ازضعف زیرساخت‌های نظام آموزشی حکایت دارد که نتوانسته سطح کیفی را به شکل یکسان درمیان تمامی دانش‌آموزان ارتقاء دهد و درست به همین علت نباید در انتظار بروندادهای مثبت و امیدوارکننده بود.

اما افت کیفیت نظام آموزشی کشورآن چنان حیرت‌آور است که صاحب‌نظران را به واکنش واداشته و دوباره زخم کهنه نابرابری آموزشی سربازکرده‌است؛ مطابق اظهارات رضا امیدی، جامعه‌شناس و پژوهشگر سیاست‌گذاری اجتماعی «آموزشی که بنا بوده مجرایی باشد برای ازبین بردن یا کاهش بخشی از نابرابری‌های بدو تولد به‌تدریج خود به نمودی از وجودنابرابری درجامعه وتشدیدکننده این نابرابری‌ها تبدیل شده است. نهاد آموزش و مدرسه فراتر از یک مکان آموزشی قدرت بالایی برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی داشته است. اساسا یکی از کارکردهای مدرسه این است که نابرابری‌های بیرون از مدرسه نظیرنابرابری‌های ناشی ازپایگاه اقتصادی واجتماعی خانواده‌ها را کاهش دهد، اما امروزه خود ابزاری برای جداسازی و تشدید نابرابری‌ها و تمایزیابی‌ها شده است. اتفاقی که به نفع طبقات بالاست، چون به آن‌ها امکان داده هرچه بیشتر خود را متمایز کنند و شکاف‌ها بیشتر شده و ازقضا طبقات پایین هرچه بیشتر نادیده گرفته شدند.»(۲)

وعده ارتقای کیفیت آموزش و تقویت مدارس دولتی

این نابرابری آشکار و افت کیفیت علمی، برای رئیس دولت هم سؤال برانگیزبوده است. ابراهیم رئیسی با تأکید براهمیت اعتماد خانواده‌ها نسبت به کیفیت مراکزعلمی واطمینان بخشی به آن‌ها در رابطه با شرایط آموزشی، به وزیرآموزش وپرورش مأموریت داده‌است، برای اطلاع واطمینان خانواده‌ها ازوضعیت آموزشی و نمرات دانش‌آموزان گزارشی ارائه کند.

هرچند رضا مراد صحرایی، وزیر آموزش وپرورش، معدل دانش‌آموزان را حاصل عملکرد دولت دوساله نمی‌داند و معتقد است: این وضعیت آموزش کشور در دولتی است که آن را تحویل گرفتیم. وضعیت واقعی معدل دانش‌آموزان کشور به گونه‌ای دیگر است که آن را بیان می‌کنم؛ در دوره ابتدایی، ارزشیابی توصیفی است و معدل نداریم، در دوره متوسطه اول معدل پایه هفتم ۱۶.۹۴، پایه هشتم ۱۶.۸۵ و پایه نهم ۱۶.۸۹ است. در پایه دهم معدل دانش‌آموزان رشته تجربی ۱۵.۶۲، رشته ریاضی ۱۶.۹، علوم انسانی ۱۳.۸۴ و علوم و معارف اسلامی ۱۵.۸۴ است. در پایه یازدهم معدل دانش‌آموزان رشته ریاضی ۱۵، تجربی ۱۵.۶۱، علوم انسانی ۱۳.۸۸ و معارف اسلامی ۱۵.۱۶ است، این موارد که معدل کل است، نمرات واقعی دانش‌آموزان کشور است و ماجرای معدل کتبی تفاوت‌هایی دارد.

او ادامه می‌دهد: چرا افرادی که نسبت به معدل پایه دوازدهم که ضریب ۴۰ درصدی قطعی در کنکور دارد، دغدغه‌مند هستند وقتی فقط کنکور به تنهایی سهم داشت و میانگین دروس تخصصی داوطلبان کنکور در رشته ریاضی فیزیک کمتر از ۱۰ درصد بود حساس نبودند، هم اکنون معدل ۱۱.۵ از ۲۰ یعنی ۵۷.۷ از ۱۰۰ درصد و تأثیر مستقیم در راه‌یابی به دانشگاه.

وزیر آموزش وپرورش وعده ارتقای کیفیت آموزش و تقویت مدارس دولتی را مطرح کرده است و اینکه مدارس دولتی برای ما اصل هستند. براین اساس تنوع مدارس کاهش پیدا می‌کند، کیفیت معلمان افزایش و همچنین آزمون هماهنگ ملی در پایان پایه ششم و نهم برگزار می‌شود، در بحث کیفیت آموزش با مردم شریف ایران تعارف و پنهان کاری نداریم.

مدرسه تنها نهادی که می‌تواند فرصت‌های برابر را فراهم کند

جامعه‌شناسان آموزش وعلوم تربیتی، در مورد تحقق وعده‌های وزیرتردیدا ندو درباره علت‌های کم سوادی دانش‌آموزان می‌گویند: «پدیده عقب‌ماندگی تحصیلی دانش‌آموزان و این که بخشی از آن‌ها نتوانند در حد مطلوب با دیگرپایه‌ها از کسب مهارت‌های لازم در پایان یک دوره ناتوان باشند هم به مسئله کیفیت آموزشی مربوط می‌شود و هم نبودن سازوکارهای آموزشی برای کمک و همراهی بچه‌هایی که دشواری‌های بیشتری در یادگیری و یا در زندگی دارند. یک نظام آموزشی باید برای بچه‌هایی که به دلایل مختلف ازجمله مشکلات خانوادگی و مادی نتوانسته‌اند آمادگی لازم را برای مدرسه داشته باشند، کارهای فوق‌العاده و اقدامات اضافه‌ای انجام دهد تا این دانش‌آموزان بازمانده ازیادگیری هم بتوانند عقب‌ماندگی تحصیلی خود را جبران کنند.»

این جامعه‌شناسان، چهارعامل جذاب و کارانبودن روش‌های آموزشی، مشکلات مادی دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها، کمبود امکانات سخت‌افزاری آموزشی و درنهایت شکاف فرهنگی بین مدرسه و دانش‌آموزان را به‌عنوان دلایل کم سوادی دانش‌آموزان دانسته و می‌گویند: «اگر به کارهای میدانی در زمینه بازماندگی از تحصیل یا مشکلات دانش‌آموزان به‌خصوص در مناطق محروم مراجعه کنیم، به چهار دلیل مهم اشاره می‌شود. دلیل اول این است که روش‌های آموزشی و کلا مدرسه برای بچه‌ها جذابیت ندارند و این که روش‌هایی که استفاده می‌شود با روحیات بچه‌ها یا نیازهای آن‌ها سازگار نیست. بنابراین، خیلی از آن‌ها خوب درس نمی‌خوانند یا خیلی زود مدرسه را برای همیشه ترک می‌کنند. این موضوع در میان دانش‌آموزانی که در خانواده‌های تهیدست زندگی می‌کنند یا در مناطق دورافتاده‌تر هستند، بیشتر اتفاق می‌افتد. دلیل دوم مشکلات مادی بچه‌هاست. بچه‌ها با توجه با مسائلی که در محیط خانه دارند، همیشه همان آمادگی و امکانات خوب را برای این که بتوانند به آن چه که مدرسه از آن‌ها به‌عنوان تکلیف می‌خواهد پاسخ بدهند، ندارند. درنتیجه همه بچه‌ها در موقعیت برابر از نظر شرایط آموزشی قرار ندارند. به همین خاطر هم نظام‌های آموزشی در همه دنیا ناچارند تدابیر ویژه‌ای برای دانش‌آموزانی که وضعیت خانوادگی مناسبی ندارند و نمی‌توانند روی کمک خانواده حساب کنند ببینند بشند.»

آن‌ها در توضیح عامل دیگر که نبودن امکانات آموزشی است نیز می‌گویند: «واقعیت این است که در مناطق توسعه‌نیافته و دارای مدارس با امکانات بسیار کم‌تر با تأسف باری سروکار داریم که اشتیاقی برای بچه‌ها برای آمدن به مدرسه باقی نمی‌گذارد و خیلی از ترک تحصیل‌های زودرس هم به‌خاطر نبودن محیط‌های آموزشی مطلوب و یا کم بودن امکانات و تجهیزات در مدارس صورت می‌گیرد. اگر نظام آموزشی به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد کشور نتواند به تمامی محصلان یک آموزش با کیفیت حداقلی ارائه دهد، صرف نظر از این که بچه‌ها متعلق به چه طبقه و گروه و چه خانواده‌هایی هستند، آینده کشور در معرض خطر قرار می‌گیرد. این مدرسه است که وظیفه اصلی آموزش را برعهده دارد و خانواده‌ها فقط می‌توانند نقش کمکی داشته باشند. برای آن دسته از خانواده‌هایی که شرایط مطلوب نیست، مدارس باید امکانات ویژه‌ای را تدارک ببینند و برای آن‌ها سازمان ویژه‌ای وجود داشته باشد که ناتوانی کمک خانواده از طریق نظام آموزشی جبران شود. وگرنه ما هیچ جایی برای جبران چنین شکافی نخواهیم داشت. فراموش نکنیم که مدرسه تنها نهادی در جامعه است که می‌تواند به‌طور واقعی فرصت‌های برابر را به وجود آورد تا آن‌ها بتوانند با کسب مهارت‌ها و دانش لازم آینده خود و جامعه را بسازند. اگر مدرسه چنین امکانی را به وجود نیاورد، نابرابری‌های موجود بازتولید می‌شوند.»

پی نوشت:

۱- ابراهیم سحرخیز در گفت‌وگو با رسانه‌ها

۲- رضا امیدی در گفت‌وگو با دیدبان ایران

آگهی رای هیات تعیین تکلیف ثبت الیگودرز

ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دیمزار به مساحت ۷۴۸۶/۶۲ مترمربع پلاک شماره ۵۱ اصلی واقع در بخش سه حوزه ثبت ملک الیگودرز خریداری از مالکیت آقایان و بانوان علیمراد و مرید و علی اکبر وعزیزمراد و کشور و دلبر و گوهر شهرت همگی فتح الهی وراث و فرزندان مرحوم اسکندر مورد تقاضای میرزاحسن عبدالوند

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۱

م الف ۹۳۶۵

سیدرضا بطحائی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک الیگودرز

==========

آگهی فقدان سند مالکیت

نظربه اینکه آقای جعفرینی عباس شهری برابروکالت نامه ۱۲۶۷۹۰ مورخه ۱۴۰۱/۱۰/۱۵ دفترخانه ۷ مشهد به وکالت از سیدعلیرضا جلالی ونامبرده نیزبرابروکالت نامه ۱۱۷۱۴۳ مورخه ۱۳۹۷/۹/۲۰ دفترخانه ۷ مشهد به وکالت از سیدجلال جلالی فرزند سیدعلیرضا به استناد دوبرگ استشهادیه گواهی امضاء شده منظم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه و مدعی است که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۲۰۳۷۱ فرعی از ۱۸۳- اصلی بخش ۱۰ مشهد به علت سهل انگاری مفقود گردیده است. بابررسی سیستم جامع املاک معلوم گردید مالکیت سیدجلال جلالی فرزند سیدعلیرضا به ش.ش ۶۹۰۱۲۲۳۹۱ متولد ۱۳۶۹ صادره از تربت حیدریه دارای ش.م ۰۶۹۰۱۲۲۳۹۱ به عنوان مالک ششدانگ عرصه واعیان مورد صلح طبق سندرهنی شماره ۵۹۹۴۰ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۳ تنظیمی دفتراسناد رسمی شماره ۱۲ مشهد به نفع بانک مسکن شعبه بلوار شریعتی مشهد به مدت ۱۴۴ ماه در رهن می باشد حق استیفای منافع وحق فسخ معامله به مدت ۳۰ سال با مصالح آقای سیدعلیرضا جلالی می باشد با شماره مستند مالکیت ۱۱۷۱۴۲ تاریخ ۱۳۹۷/۹/۲۰ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۷ شهرمشهد استان خراسان رضوی موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۲۷۹۳۲۳ سری ب سال ۹۷ باشماره دفترالکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۶۰۰۴۰۴۷۹۱۰ ثبت گردیده است و سیستم جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد مفاد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و منذکر میگردد هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

م الف ۲۰۳

هادی ریحانی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۶ مشهد

==========

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (م ۳ و م ۱۳)

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان میاندوآب بشرح زیر تصرفات مفروزی و مالکانه اشخاص را تائید وبه جهت عدم دسترسی به مالکین مقرر شده است پس از نشر آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تسلیم گردد و علیهذا در اجرای ماده ۳ قانون مذکور و آئین نامه اجرایی آن مراتب در یک نوبت به فاصله ۳۰ روز جهت اطلاع مالکین مشاعی وسایر صاحبان حقوق آگهی می شود وچنانچه اشخاص اعتراض داشته باشند حداکثر ظرف مدت دو ماه از انتشار اولین آگهی اعتراض کتبی خود را مستقیما به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان میاندوآب تسلیم نموده و باید یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت املاک دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند. در غیراین صورت سند مالکیت مورد تقاضای متصرف براساس مدلول رای صادره در حدود و مقررات صادر خواهد شد و صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

۱- رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۳۰۰۶۰۰۱۱۷۶۷ مورخه ۱۴۰۲/۱۰/۱۳ تقاضای خانم شیرین عابدی فرزند مجید مبنی بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه باغ قسمتی از پلاک ۵۵۵۸ فرعی از ۱ اصلی بخش ۱۴ مراغه حوزه ثبتی میاندوآب واقع در میاندوآب خریداری شده از سهمی نعمت اله یوسف زاده به شماره پرونده ۱۲۱۴-۱۴۰۲ هیات به مساحت ۴۰۰۰ مترمربع که برای آن پلاک ۳۰۵۹۶ فرعی تعیین گردیده است.

۲- رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۳۰۰۶۰۰۱۱۷۶۰ مورخه ۱۴۰۲/۱۰/۱۳ تقاضای آقای غلام اصغر حاجی زاده فرزند علی مبنی بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه باغ قسمتی از پلاک ۵۵۵۸ فرعی از ۱ اصلی بخش ۱۴ مراغه حوزه ثبتی میاندوآب واقع در میاندوآب خریداری شده از سهمی نعمت اله یوسف زاده به شماره پرونده ۱۲۰۲-۱۴۰۲ هیات به مساحت ۶۶۵۲/۹۵ مترمربع که برای آن پلاک ۳۰۵۹۷ فرعی تعیین گردیده است.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

سعید سیفی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک میاندوآب

==========

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه)

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان میاندوآب بشرح زیر تصرفات مفروزی و مالکانه اشخاص را تائید وبه جهت عدم دسترسی به مالکین مقرر شده است پس از نشر آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تسلیم گردد و علیهذا در اجرای ماده ۳ قانون مذکور و آئین نامه اجرایی آن مراتب در یک نوبت به فاصله ۳۰ روز جهت اطلاع مالکین مشاعی وسایر صاحبان حقوق آگهی می شود وچنانچه اشخاص اعتراض داشته باشند حداکثر ظرف مدت دو ماه از انتشار اولین آگهی اعتراض کتبی خود را مستقیما به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان میاندوآب تسلیم نموده و باید یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت املاک دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند. در غیراین صورت سند مالکیت مورد تقاضای متصرف براساس مدلول رای صادره در حدود و مقررات صادر خواهد شد و صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

۱- رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۳۰۰۶۰۰۳۹۵۱ مورخه ۱۴۰۲/۵/۲۵ تقاضای آقای مصطفی حاجی زاده فرزند محمد مبنی بر صدور سند مالکیت ششدانگ یکباب خانه قسمتی از پلاک ۹۷۹۴ فرعی از ۱ اصلی بخش ۱۴ مراغه حوزه ثبتی میاندوآب واقع در میاندوآب خریداری شده از الهویردی قنبرزاده پرونده هیات ۱۴۰۰/۶۴۵ مساحت ۱۲۸ مترمربع که برای آن پلاک ۳۰۰۸۲ تعیین گردیده است.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۱

سعید سیفی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک میاندوآب

==========

آگهی مزایده نوبت اول

**نظر به اینکه در پرونده اجرایی کلاسه فوق محکوم علیه: مصطفی عساکره فرزند یابر به پرداخت مبلغ بیست میلیارد ریال بابت اصل خواسته و سایر خسارات در حق محکوم له علی اکبر یعقوبی فرزند مرحوم حسن محکوم گردیده که محکوم له جهت استیفای مطالبات خود درخواست مزایده سند وثیقه گذار واقع در بندرماهشهر- خیابان طالقانی جنب از خیابان لاله غربی پلاک ۴۲ را نموده که مراتب به کارشناس رسمی دادگستری جهت ارزیابی ارجاع که نظریه کارشناس وارزش کل ملک به شرح ذیل می باشد: یازده میلیارد و هشتصد و دوازده میلیون